

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)
سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، زمستان ۱۳۸۱، بهار ۱۳۸۲

جنسیت و مشارکت سیاسی

بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران

ام‌البین چابکی*

چکیده

این پژوهش تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران» به روش توصیفی - مقایسه‌ای انجام شده است و اطلاعات آن به روش میدانی و از طریق پرسشنامه محقق ساخته (با ۸۸ پرسش بسته در قالب ۴۳ پرسش اصلی) جمع‌آوری شده است. پرسشنامه‌ها بین ۱۰۴۱ نفر دانشجوی شاغل به تحصیل در پنج دانشگاه تهران، شهید بهشتی، الزهرا (س)، امام صادق (ع) و صنعتی شریف، به طور مساوی توزیع شد. سپس داده‌های آماری، با بهره‌گیری از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS انجام شد و با استفاده از مجذور خی و تحلیل‌های دو متغیره و سه متغیره و بر اساس نوع و میزان همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل نتایج ارائه شد. نتایج پژوهش حاضر مؤید یافته‌های جهانی در رابطه

*. عضو هیأت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س)

با علاقه‌مندی سیاسی زنان در مقایسه با مردان است و نشان می‌دهد که زنان اعم از این که در دانشگاه‌های مختلط یا غیرمختلط باشند، علاقه‌مندی سیاسی کم‌تری (در مقایسه با مردان) دارند و فعالیت‌های سیاسی آنان، کم‌تر از مردان، جنبه فعالانه دارد. بینش سیاسی زنان بیش از مردان تحت تأثیر خانواده شکل می‌گیرد. زنان دیرتر از مردان توجه به مسائل سیاسی را آغاز می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شغل پدر و مادر و نیز تحصیلات پدر و مادر رابطه آماری معنادار و مثبتی با علاقه‌مندی سیاسی دختران دارد. از سوی دیگر متغیرهای ازدواج و مقطع تحصیلی، تفاوت معناداری را در رابطه با علاقه‌مندی سیاسی دو گروه آزمودنی نشان نمی‌دهد.

مقدمه

مشارکت سیاسی و چگونگی دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداره جامعه از جمله مباحثی است که در سراسر تاریخ اندیشه سیاسی از قرن‌ها قبل از میلاد مسیح تا به امروز به چشم می‌خورد و با وجود فراز و نشیب‌هایی که طی قرون و اعصار داشته است، امروزه از آن به عنوان امری اساسی و در ارتباط نزدیک با توسعه سیاسی یاد می‌شود. لوسین پای (Lucian Pye 1963) به عنوان نخستین پژوهشگر برجسته در زمینه مفهوم «توسعه» معتقد است که توسعه سیاسی به مشارکت توده‌ای و اقدام عمومی در فعالیت‌های سیاسی مربوط است و مردم را به شهروند فعال تبدیل می‌کند. (عالم ۱۳۷۶، ص ۱۲۵-۱۲۴). مشارکت سیاسی، ممکن است در جهت حمایت یا علیه نظام سیاسی حاکم صورت گیرد و به شکل شرکت در گزینش رهبران سیاسی یا همکاری در اداره امور جامعه باشد و یا به صورت تظاهرات، شورش‌ها، اجتماعات، راه‌پیمایی‌ها، اعتصاب‌ها و اغتشاش‌ها ظاهر شود. نکته مشترک در همه شکل‌های مشارکت سیاسی، علاقه‌مندی افراد به مسایل سیاسی و تمایل آنان نسبت به انجام فعالیت و عمل سیاسی است. خواه این علاقه‌مندی و تمایل به زعم مارکسیست‌ها ناشی از آگاهی طبقاتی باشد (Andrew Webster, 1990) و خواه به

گفته الموند و وربا به فرهنگ و جامعه پذیری افراد ارتباط یابد (Almond & Verba, 1963) و یا به اعتقاد روان شناسان مبتنی بر ویژگی های روان شناختی باشد (تی. بی. باتامور، ۱۳۶۹). در این مقاله، علاقه مندی سیاسی و نوع مشارکت سیاسی که بر اساس همان تمایل و علاقه مندی انتخاب می شود، در پسران و دختران دانشجوی ایرانی مورد بررسی قرار می گیرد و به این پرسش اساسی پاسخ داده می شود که آیا جنسیت در مشارکت سیاسی تاثیر دارد یا خیر.

بیان مسأله

«مشارکت سیاسی» به معنای فعالیت فردی یا جمعی اعضای سطوح مختلف نظام سیاسی و رده بندی تمایلات و گرایش ها به منظور اداره امور سیاسی جامعه (Rush, M, 1992, P. 110)، در بین دانشجویان به دلایل مختلف از جمله جوان بودن، تحرک، استقلال طلبی، نوجویی، آرمان گرایی، اصلاح گرایی، عدم محافظه کاری اقتصادی (به خاطر عدم وابستگی به شغل، خانواده و فرزند) و نیز به علت علاقه و شناختی که نسبت به مسائل جامعه پس از ورود به دانشگاه پیدا می کنند، از ویژگی های خاص خود برخوردار است (محمدی، ۱۳۷۸). این مقاله، علاقه مندی سیاسی دانشجویان را (با طرح پرسش هایی پیرامون علاقه مندی به مطالعه مقاله های سیاسی و یا از طریق برنامه های سیاسی مورد توجه آزمونی ها در تلویزیون، میزان پیگیری مسایل جامعه و...) مورد ارزیابی قرار می دهد. تأثیر عوامل خانواده، رسانه ها و همکلاسی ها را در ایجاد بینش سیاسی دانشجویان دختر و پسر می سنجد و نوع مشارکت سیاسی دانشجویان را به لحاظ فعالانه یا منفعلانه بودن بررسی می کند و نتایج حاصله را به تفکیک جنسیت مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار می دهد. این مقایسه امکان آن را فراهم می آورد تا از یک سو علاقه مندی سیاسی دختران در مقایسه با پسران مشخص شود و از سوی دیگر این فرض پذیرفته شده جهانی که زنان در هر قشری در مقایسه با مردان از علاقه مندی سیاسی کمتری برخوردارند، در مورد قشر دانشجوی کشورمان به آزمون درآید.

۲-۱. پرسش‌های اساسی تحقیق

پرسش‌های اساسی این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- آیا علاقه‌مندی سیاسی دانشجویان دختر کم‌تر از دانشجویان پسر است؟
- ۲- آیا نوع مشارکت سیاسی دانشجویان دختر متفاوت از دانشجویان پسر است؟
- ۳- آیا دانشجویان دختر دانشگاه‌های مختلط نسبت به دانشجویان دختر دانشگاه‌های تک‌جنسیتی، سیاسی‌ترند؟
- ۴- آیا میزان تأثیرپذیری سیاسی از خانواده و اجتماع در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است؟
- ۵- نگرش دختران و پسران نسبت به تصدی مقام‌های سیاسی توسط زنان چگونه است؟

تعریف واژه‌ها

مشارکت سیاسی

بحث پیرامون مشارکت سیاسی آحاد جامعه، از جمله مباحثی است که از قدمت دیرینه‌ای برخوردار بوده و چگونگی مشارکت سیاسی شهروندان، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های خاطر سیاست‌اندیشان را تشکیل می‌دهد (عنایت، ۱۳۶۴). اما با وجود این پیشینه‌ی دراز، از مشارکت سیاسی به عنوان پدیده‌ای جدید که در ارتباط تنگاتنگ با دولت‌های مدرن و ملاک سنجش مشروعیت آنها است، یاد می‌شود؛ (فیرحی، ۱۳۷۷). به لحاظ گستردگی دامنه مشارکت سیاسی، از این واژه تعاریف مختلفی به عمل آمده است که به لحاظ تفاوت در مصداق‌ها و حیطه عمل، حاکی از عدم توافق بر سر یک تعریف جامع بوده و بیانگر عدم اجماع در شاخص‌ها و مؤلفه‌های این پدیده است. برخی عنصر «قانونی بودن» را برای مشارکت لازم دانسته و مشارکت سیاسی را «اعمال قانونی که شهروند عادی با هدف تأثیر بر هیأت حاکمه و عملکرد ایشان انجام می‌دهد» تعریف می‌کنند (هبه رثوف، ۱۳۷۷: ۹۶) از نظر وربا و کیم (Verba & Kim)، نیز فعالیت سیاسی شامل تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان غیرحکومتی است که کم‌وبیش به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها اثر می‌گذارد (Verba & Nie, 1975, P. 22 & 1972, P.2).

برخی دیگر مشارکت سیاسی را مترادف با «درگیری سیاسی» به کار برده‌اند و منظور از درگیری را هر نوع دخالت ظاهری (از نظر دخالت‌کننده) در سیاست، اعم از مشارکت سیاسی تا بی‌تفاوتی آگاهانه سیاسی و در پایان طیف عناد و مخالفت سیاسی دانسته‌اند. (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۲۵)

طبیعتاً عنصر «آگاهی» از عناصر اساسی در مشارکت سیاسی است و از نقش اساسی و محوری در این زمینه برخوردار است. دایره‌المعارف علوم اجتماعی در تعریفی که از مشارکت سیاسی ارائه داده است، شرط «داوطلبانه بودن» را مدنظر قرار داده و مشارکت سیاسی را «فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی» دانسته است. (R. McClosky, 1968, P. 249).

... و اما در این پژوهش، منظور از مشارکت سیاسی، عملی ارادی و آگاهانه است که به طور مستمر و یا دوره‌ای از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز، به منظور گزینش رهبران جامعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و تأثیرگذاری بر امر تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره جامعه انجام می‌گیرد.

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی، در هر جامعه‌ای تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، باورهای مذهبی، پیشینه تاریخی و... آن جامعه شکل خاصی به خود می‌گیرد. تحقیقات نشان داده است که مشارکت سیاسی به لحاظ کیفی و کمی، تحت تأثیر عوامل متعددی است. این عوامل شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، جنس، نژاد، قومیت، ساختار سیاسی، مذهب و ارزش‌های فرهنگی، تحصیلات، شغل، محل سکونت، شخصیت و ویژگی‌های روحی - روانی افراد است. برخی بر تأثیر عوامل تحصیلات، درآمد و موقعیت اجتماعی در مشارکت سیاسی تأکید می‌ورزند (وربا و نای ۱۹۷۲)، و عده‌ای نیز نقش احزاب را در بسیج مردم برای مشارکت سیاسی مهم تلقی می‌کنند؛ (Rosenstone Steven & John Mark, Hansen, 1993). انگیزه افراد برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم (به عنوان مثال انگیزه فرد برای شرکت در انتخابات تحت تأثیر فضای انتخاباتی) از دیگر عواملی است که برخی پژوهشگران از آن به عنوان عامل مهم و

تأثیرگذار در مشارکت سیاسی افراد یادکرده‌اند؛ (Lawrence, L. Richard G. Niemt, Pippa Norris, 1996). فایده‌مندی مشارکت سیاسی در این میان نقش اساسی دارد و افراد پس از محاسبه سود و زیان مشارکت در صورتی مبادرت به این کار می‌کنند که فایده آن را بیش از زیانش تشخیص دهند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - مقایسه‌ای است. داده‌ها از طریق روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به دست آمده است. از مطالعات کتابخانه‌ای (شامل کتاب‌ها و نشریه‌های فارسی و انگلیسی و طرح‌های انجام شده پیرامون موضوع مورد نظر) جهت رسیدن به زمینه‌های تئوریک و ارائه پیشینه پژوهش استفاده شده است. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی مورد تبیین و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و اطلاعات به دست آمده به صورت جداول فراوانی و درصد ارائه شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش، دانشجویان پنج دانشگاه تهران هستند که با توجه به موضوع مورد پژوهش که مشارکت سیاسی دختران و پسران دانشجوی را مورد مقایسه قرار می‌دهد، دو دانشگاه تک جنسیتی الزهرا (س) و امام صادق (ع) و سه دانشگاه مختلط (تهران، شهید بهشتی و صنعتی شریف) انتخاب شدند. انتخاب دانشگاه‌های مزبور با این هدف انجام شد که میزان مشارکت سیاسی مردان و زنان در دانشگاه‌های تک جنسیتی و مختلط مورد مقایسه قرار گیرد و تأثیر جنس مخالف در افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی، مورد سنجش قرار گیرد.

روش نمونه‌گیری

نمونه آماری در پژوهش حاضر، طی چند مرحله انتخاب شده است. در مرحله اول از بین دانشگاه‌های کشور، دانشگاه‌های دولتی برای انجام تحقیق در نظر گرفته شد. با این استدلال که

دانشجویان دانشگاه‌های دولتی به دلایل متعدد، سیاسی‌تر از دانشجویان دانشگاه آزاد به نظر می‌رسند. (البته این نکته خود در خور تأمل و نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است.) سپس با تمرکز بر دو محور «تک جنسیتی و مختلط بودن» و «میزان فعالیت سیاسی»، این دانشگاه‌ها (تهران، صنعتی شریف، شهید بهشتی، الزهراء و امام صادق) انتخاب شدند. در مرحله بعد، حجم نمونه و به تساوی بین پنج دانشگاه یاد شده و در هر دانشگاه نیز به تساوی بین دانشجویان دختر و پسر در تمام رشته‌های موجود تقسیم شد.

نمونه آماری

نمونه آماری در این پژوهش، متشکل از یک هزار و چهل و یک (۱۰۴۱) نفر دانشجوی شاغل به تحصیل در زمان اجرای پرسشنامه (نیمه اول خرداد ۱۳۷۹) است. این دانشجویان از ۵ دانشگاه، تهران، صنعتی شریف، شهید بهشتی، الزهراء (س) و امام صادق (ع) به شیوه تصادفی مطبق، بر اساس رشته تحصیلی و جنسیت از دانشکده‌های مختلف انتخاب شدند. از این تعداد ۵۲۱ نفر زن و ۵۱۸ نفر مرد هستند. دو نفر نیز به گزینه‌های مربوط به جنسیت پاسخ ندادند.

روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از طریق پرسشنامه محقق ساخته، گردآوری شده است. این پرسشنامه شامل ۸۸ پرسش بسته در قالب ۴۳ پرسش اصلی است که در سه بخش تنظیم شده است: مشخصات فردی آزمودنی‌ها، علاقه‌مندی سیاسی آنها با پرسش پیرامون زمینه‌های مطالعاتی و علایق سیاسی آنان و نوع فعالیت سیاسی مورد علاقه آنان در حال حاضر (فعالیت سیاسی فعلی آنان در دانشگاه و در سطح جامعه) و در آینده (نوع فعالیت سیاسی که علاقه‌مندند در آینده داشته باشند). پرسش‌های بخش سوم در واقع آمادگی و علاقه آزمودنی‌ها را به فعالیت و مشارکت سیاسی در حیطه عمل مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه این پژوهش هم‌چنین تأثیر خانواده و محیط اجتماعی را بر پیش‌سیاسی دانشجویان به تفکیک جنسیت ارزیابی می‌کند.

یافته‌های پژوهش

آزمودنی‌های این پژوهش را ۵۱۸ نفر مرد و ۵۲۱ نفر زن دانشجوی شاغل به تحصیل در ۵ دانشگاه تهران تشکیل می‌دهند. ۸۹/۴ درصد از پاسخگویان مجرد و ۱۰/۵ درصد متأهل می‌باشند. از نظر سنی ۷۲/۸ درصد کل آزمودنی‌ها ۱۸ تا ۲۳ ساله‌اند، ۴۵/۵ درصد آزمودنی‌ها ساکن تهران و ۴۴/۲۸ درصد آنها ساکن شهرستان هستند. ۳۲ درصد آنان در دانشگاه‌های غیرمختلط (الزهراء و امام صادق) و بقیه در دانشگاه‌های مختلط مشغول به تحصیل بوده‌اند. گروه تحصیلی ۴۶/۷ درصد آنان علوم انسانی، ۲۸/۳ درصد فنی - مهندسی، ۱۴/۴ درصد علوم پایه و ۸/۶ درصد هنر است که ۷۸/۱ درصد در مقطع کارشناسی، ۱۵/۹ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۵/۷ درصد در مقطع کاردانی و دکترا می‌باشند. از نظر اشتغال نیز ۸۵ درصد پاسخ‌گویان فاقد هرگونه شغلی بوده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین جنسیت و علاقه‌مندی به مطالعه مطالب سیاسی - حقوقی (جدول ۱) رابطه معنادار آماری وجود دارد و داده‌های این جدول، با توجه به مقدار $(X^2=41.64, P < 0.05, df =3)$ علاقه‌مندی کم‌تر زنان را به سیاست در مقایسه با مردان مورد تأیید قرار می‌دهد.

جدول ۱: میزان علاقه‌مندی به مطالعه مطالب سیاسی - حقوقی به تفکیک جنسیت

جنسیت	زیاد		متوسط		کم		اصلاً		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۹۵	۱۸/۸	۱۸۸	۳۷/۲	۱۳۷	۲۷/۱	۸۶	۱۷/۰	۵۰۶	۴۹/۴
مرد	۱۷۹	۳۴/۶	۱۸۸	۳۶/۳	۸۱	۱۵/۶	۷۰	۱۳/۵	۵۱۸	۵۰/۶
جمع کل	۲۷۴	۲۶/۸	۳۷۶	۳۶/۷	۲۱۸	۲۱/۳	۱۵۶	۱۵/۲	۱۰۲۴	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۱۷

همان‌گونه که داده‌های این جدول نشان می‌دهد ۳۴/۶ درصد پسران و ۱۸/۸ درصد دختران گزینه «زیاد» را و ۴۴/۱ درصد دختران و ۲۹/۱ درصد پسران گزینه «کم» و «اصلاً» را برای تعیین میزان علاقه خود نسبت به مسایل سیاسی - حقوقی انتخاب کرده‌اند. یافته‌های جدول (۲) نیز مؤید

آن است که زنان در مقایسه با مردان علاقه کمتری نسبت به پیگیری مسائل سیاسی - اقتصادی جامعه دارند.

جدول ۲: میزان پیگیری مسائل سیاسی - اقتصادی جامعه به تفکیک جنسیت

جنسیت	مستمر		گاهی اوقات		اصلاً		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۱۸۸	۳۶/۴	۲۹۸	۵۷/۸	۳۰	۵/۸	۵۱۶	۵۰/۱
مرد	۲۹۶	۵۷/۶	۱۸۹	۳۶/۸	۲۹	۵/۶	۵۱۴	۴۹/۹
جمع کل	۴۸۴	۴۷/۰	۴۸۷	۷۴/۳	۵۹	۵/۷	۱۰۳۰	۱۰۰/۰

بی جواب: ۱۱

بر اساس داده‌های این جدول و با توجه به مقدار ($X^2=48.5, P < 0.05, df = 2$) بین متغیر پیگیری مسائل سیاسی - اقتصادی و متغیر جنسیت رابطه معنادار آماری وجود دارد و پسران بیش از دختران (۵۷/۶ درصد در مقابل ۳۶/۴ درصد) مسائل سیاسی - اقتصادی جامعه را به طور مستمر پیگیری می‌کنند. داده‌های جدول ۳ نیز با توجه به مقدار ($X^2 = 8.24, P=0.04, df=3$) مؤید رابطه معنادار بین دو متغیر است و نشان می‌دهد که دختران دیرتر از پسران توجه به مسایل سیاسی را آغاز می‌کنند به طوری که ۴۰/۶ درصد پسران از دوران دبیرستان و ۴۰/۷ درصد دختران از دوران دانشگاه متوجه مسائل سیاسی شده‌اند.

جدول ۳ - زمان شروع توجه به مسائل سیاسی به تفکیک جنسیت

جنسیت	کودکی		مدرسه		دبیرستان		دانشگاه		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۹۵	۱۹/۳	۲۳	۴/۷	۱۷۴	۳۵/۴	۲۰۰	۴۰/۷	۴۹۲	۴۹/۷
مرد	۸۵	۱۷/۱	۳۸	۷/۶	۲۰۲	۴۰/۶	۱۷۳	۳۴/۷	۴۹۸	۵۰/۳
جمع کل	۱۸۰	۱۸/۲	۶۱	۶/۲	۳۷۶	۳۸/۰	۳۷۳	۳۷/۷	۹۹۰	۱۰۰/۰

بی جواب: ۵۰

یافته‌های این پژوهش (با توجه به مقدار X^2 به دست آمده ($X^2=62.74, P=0.00, df=3$) و با در نظر گرفتن این که ۸۹/۴ درصد پاسخگویان مجرد بوده‌اند، نشانگر آن است که دختران بیش از پسران تحت تأثیر خانواده، بینش سیاسی خود شکل می‌دهند. ۳۶/۱ درصد دختران در مقابل ۱۶/۸ درصد پسران میزان تأثیر خانواده را «زیاد» دانسته‌اند، در حالی که ۵۱/۶ درصد پسران در مقابل ۳۱ درصد دختران، میزان تأثیر خانواده را «کم» و «اصلاً» قید کرده‌اند. (جدول ۴)

جدول ۴ - میزان تأثیر خانواده در ایجاد بینش سیاسی

جنسیت	زیاد		متوسط		کم		اصلاً		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۱۸۵	۳۶/۱	۱۶۹	۳۲/۹	۸۷	۱۷/۰	۷۲	۱۴/۰	۵۱۳	۴۹/۸
مرد	۸۷	۱۶/۸	۱۶۴	۳۱/۷	۱۴۵	۲۸/۰	۱۲۲	۲۳/۶	۵۱۸	۵۰/۲
جمع کل	۲۷۲	۲۶/۴	۳۳۳	۳۲/۳	۲۳۲	۲۲/۵	۱۹۴	۱۸/۸	۱۰۳۱	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۱۰

در پژوهش حاضر، تفاوت پسران و دختران در زمینه تأثیرپذیری سیاسی از خانواده از طریق پاسخ‌های داده شده به پرسش‌های مربوط به تحصیلات و شغل پدر و مادر با زمینه‌های مختلف علاقه‌مندی و مشارکت سیاسی دانشجویان (تحلیل سه متغیره داده‌ها) نیز مورد توجه قرار گرفته است و تأثیر خانواده بر علاقه‌مندی به مطالعه مطالب سیاسی - حقوقی، میزان پیگیری مسائل سیاسی، علاقه‌مندی به تصدی پست‌های سیاسی، علاقه به فعالیت در احزاب سیاسی، علاقه به تشکیل حزب و تشکلات سیاسی و زمان شروع توجه به مسایل سیاسی در دختران و پسران آزمودنی به تفکیک جنسیت و به تفکیک زمینه‌های مختلف فعالیت و علاقه‌مندی سیاسی بررسی شده است. نتایج، حاکی از آن است که متغیرهای تحصیلات و شغل پدر و نیز تحصیلات و شغل مادر، بر میزان پیگیری مسائل سیاسی در دو گروه آزمودنی تأثیر متفاوتی داشته است. داده‌های جدول ۵ با سطح معناداری $P < 0.05$ این یافته را مورد تایید قرار می‌دهد.

جدول ۵- تحلیل واریانس تعاملی جنسیت و میانگین میزان پیگیری مسائل سیاسی با تحصیلات و شغل پدر و مادر

تعامل جنسیت، میانگین میزان پیگیری مسائل سیاسی				اثرات اصلی	
شغل مادر	شغل پدر	تحصیلات مادر	تحصیلات پدر	منبع تغییرات	
۷/۲۰	۵/۸۸۸	۷/۹۳۴	۵/۴۷۱	مجموع مجذورات	
۶	۸	۶	۶	درجه آزادی	
۱/۱۷	۰/۷۳۶	۱/۳۲۲	۹۱۲	میانگین مجذورات	
۳/۴۳۳	۲/۱۵۳	۳/۸۳۴	۲/۶۲۸	مقدار F	
۰/۰۰۲	۰/۰۲۹	۰/۰۰۱	۰/۰۱۶	سطح معناداری	

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان به سمت فعالیت‌های سیاسی منفعلانه‌تر گرایش بیشتری دارند. به منظور آگاهی از چگونگی فعالیت سیاسی دانشجویان در حیطة عمل، پرسش‌های مرتبط با شرکت آزمودنی‌ها در فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات، چاپ مقالات و یا نقد سیاسی در نشریه‌ها و حضور در مجالس سخنرانی، تظاهرات و راهپیمایی‌ها، در پرسشنامه، گنجانده شد. یافته‌ها - همان‌گونه که داده‌های جدول (۶) با مقادیر ($X^2 = 67.73, P < 0.05, df=1$) نشان می‌دهد، حاکی از آن است که بین جنسیت و شرکت آزمودنی‌ها در فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات رابطه آماری معنادار وجود دارد و ۱۸/۲ درصد دختران در مقابل ۳۸/۲ درصد پسران در این فعالیت‌ها شرکت داشته‌اند.

جدول ۶- شرکت آزمودنی‌ها در فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات

جنسیت	بله		خیر		جمع کل	
	فرآوانی	%	فرآوانی	%	فرآوانی	%
زن	۹۳	۱۸/۲	۴۱۹	۸۱/۸	۵۱۲	۵۰/۱
مرد	۱۹۵	۳۸/۲	۳۱۵	۶۱/۸	۵۱۰	۴۹/۹
جمع کل	۲۸۸	۲۸/۲	۷۳۴	۷۱/۸	۱۰۲۲	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۱۹

جدول ۷. چاپ مقاله یا نقد سیاسی در نشریات

جنسیت	بله		خیر		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۱۵	۲/۹	۴۹۸	۹۷/۱	۵۱۳	۵۰/۲
مرد	۵۵	۱۰/۸	۴۵۳	۸۹/۲	۵۰۸	۴۹/۸
جمع کل	۷۰	۶/۹	۹۵۱	۹۳/۱	۱۰۲۱	۱۰۰/۰

بی جواب: ۲۰

هم‌چنین جدول (۷) با توجه به مقادیر ($X^2=67.73$, $df=1$, $P = 0.00$) نشان می‌دهد بین دو متغیر مورد نظر، رابطه معنادار آماری وجود دارد. بر اساس داده‌های این جدول، ۲/۹ درصد دختران در مقابل ۱۰/۸ درصد پسران برای نشریات مقاله و یا نقد سیاسی نوشته‌اند.

جدول ۸. حضور در مجالس سخنرانی، تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها

جنسیت	مستمر		گاهی اوقات		اصلاً		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۴۴	۸/۶	۲۱۶	۴۲/۴	۲۵۰	۴۹/۰	۵۱۰	۵۰/۴
مرد	۸۵	۱۶/۹	۲۴۶	۴۹/۰	۱۷۱	۳۴/۱	۵۰۲	۴۹/۶
جمع کل	۱۲۹	۱۲/۷	۴۶۲	۴۵/۷	۴۲۱	۴۱/۶	۱۰۱۲	۱۰۰/۰

بی جواب: ۲۹

در رابطه با فعالیت‌های سیاسی دانشجویی نیز پسران فعالانه‌تر از دختران عمل کرده‌اند. داده‌های جدول ۸ نشان دهنده آن است که ۴۹ درصد دختران «اصلاً در مجالس سخنرانی، تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها شرکت نداشته‌اند، در حالی که ۴۹ درصد پسران «گاهی اوقات» و ۱۶/۹ درصد آنان به طور مستمر در این فعالیت‌ها مشارکت کرده‌اند.

داده‌های این جدول با مقادیر ($X^2=29.74$, $df=2$, $P < 0.05$) ارتباط بین جنسیت و فعالیت‌های یاد شده را مورد تأیید قرار می‌دهد.

جدول ۹- علاقه‌مندی به تصدی پست‌های سیاسی

جنسیت	بله		خیر		بی‌نظر		جمع کل	
	فرآوانی	%	فرآوانی	%	فرآوانی	%	فرآوانی	%
زن	۱۵۹	۳۱/۲	۳۵۱	۶۸/۸	۰	۰/۰	۵۱۰	۵۰/۹
مرد	۲۳۱	۴۷/۰	۲۵۸	۵۲/۴	۳	۰/۶	۴۹۲	۴۹/۱
جمع کل	۳۹۰	۳۸/۹	۶۰۹	۶۰/۸	۳	۰/۳	۱۰۰۲	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۳۹

در پژوهش حاضر، علاقه‌مندی آزمودنی‌ها نسبت به تصدی مشاغل سیاسی نیز مورد سنجش قرار گرفت. داده‌های جدول (۹) با مقادیر $(X^2=30.18, df=2, P < 0.05)$ نشان می‌دهد که بین پاسخ‌های دو گروه آزمودنی به پرسش‌های مربوط به علاقه‌مندی به سمت‌های سیاسی، تفاوت معناداری وجود دارد و پسرها بیشتر از دخترها (۴۷ درصد پسران در مقابل ۳۱/۲ درصد دختران) علاقه‌مند به تصدی پست‌های سیاسی بوده‌اند.

جدول ۱۰- میزان موافقت آزمودنی‌ها با واگذاری مدیریت‌های سیاسی به زنان

جنسیت	زیاد		متوسط		کم		اصلاً		جمع کل	
	فرآوانی	%	فرآوانی	%	فرآوانی	%	فرآوانی	%	فرآوانی	%
زن	۲۴۹	۴۸/۱	۱۹۶	۳۷/۸	۴۸	۹/۳	۲۵	۴/۸	۵۱۸	۵۰/۰
مرد	۹۶	۱۸/۶	۲۲۶	۴۳/۷	۱۲۹	۲۵/۰	۶۶	۱۲/۸	۵۱۷	۵۰/۰
جمع کل	۳۴۵	۳۳/۳	۴۲۲	۴۰/۸	۱۷۷	۱۷/۱	۹۱	۸/۸	۱۰۳۵	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۶

داده‌های جدول (۱۰)، با $(X^2= 125.52, df=3, P < 0.05)$ نشان می‌دهد که بین جنسیت و موافقت با واگذاری مدیریت‌های سیاسی به زنان، رابطه معنادار آماری وجود دارد و نگرش دختران آزمودنی در این زمینه، مثبت‌تر از پسران آزمودنی بوده است؛ به گونه‌ای که ۴۸/۱ درصد دختران در مقابل ۱۸/۶ درصد پسران به میزان «زیاد» با واگذاری مدیریت‌های سیاسی به زنان موافقت داشته‌اند.

جدول ۱۱- تحلیل واریانس تعاملی جنسیت و دانشگاه محل تحصیل با متغیرهای علاقه‌مندی سیاسی

تعامل جنسیت دانشگاه محل تحصیل					اثرات اصلی
میانگین علاقه‌مندی به مطالب سیاسی	میانگین میزان پیگیری مسائل سیاسی	میانگین علاقه‌مندی به تصدی پست‌های سیاسی	میانگین علاقه‌مندی به فعالیت در احزاب سیاسی	میانگین علاقه‌مندی به تشکیل احزاب و تشکیلات سیاسی	
۳/۶۵۳	۰/۴۴۳	۰/۲۴۹	۰/۳۵۷	۰/۱۳۴	مجموع مجذورات
۲	۲	۲	۲	۲	درجه آزادی
۱/۸۲۶	۰/۲۲۲	۰/۱۲۴	۰/۱۷۸	۰/۰۶۷	میانگین مجذورات
۱/۸۸۳	۰/۶۵۳	۰/۵۳۱	۰/۸۰۴	۰/۴۴۰	مقدار F
۰/۱۵۳	۰/۵۲۱	۰/۵۸۸	۰/۴۴۸	۰/۶۴۴	سطح معناداری

هم‌چنین نتایج تحلیل واریانس تعاملی جنسیت و دانشگاه محل تحصیل با متغیرهای مختلف علاقه‌مندی سیاسی (جدول ۱۱) با مقدار $P > 0.05$ مؤید آن است که بین متغیرهای یاد شده رابطه معنادار آماری وجود ندارد و مختلط یا غیرمختلط بودن دانشگاه محل تحصیل، تأثیری بر زمینه‌های مختلف علاقه‌مندی سیاسی دختران و پسران دانشجو ندارد و در هر دو صورت، دختران (در مقایسه با پسران) علاقه‌مندی سیاسی کم‌تری از خود نشان داده‌اند.

جدول ۱۲ - علاقه‌مندی به فعالیت در احزاب سیاسی

جنسیت	بله		خیر		بی‌نظر		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۱۲۷	۲۵/۰	۳۸۰	۷۵/۰	۰	۰	۵۰۷	۵۰/۶
مرد	۱۹۲	۳۸/۸	۳۰۱	۶۰/۸	۲	۰/۴	۴۹۵	۴۹/۴
جمع کل	۳۱۹	۳۱/۸	۶۸۱	۶۸/۰	۲	۰/۲	۱۰۰۲	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۳۹

رابطه جنسیت و علاقه‌مندی به فعالیت در احزاب سیاسی، با توجه به داده‌های جدول (۱۲) با مقادیر $(X^2=24.26, df=2, P = 0/000)$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. داده‌های این جدول نشانگر آن است که ۳۸/۸ درصد پسران در مقابل ۲۵ درصد دختران علاقه‌مند به فعالیت در احزاب سیاسی‌اند.

جدول ۱۳ - علاقه‌مندی به راه‌اندازی حزب یا تشکیلات سیاسی

جنسیت	بله		خیر		بی‌نظر		جمع کل	
	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%	فراوانی	%
زن	۵۰	۹/۹	۴۵۶	۹۰/۱	۰	۰	۵۰۶	۵۰/۶
مرد	۱۲۱	۲۴/۵	۳۷۲	۷۵/۳	۱	۰/۲	۴۹۴	۴۹/۴
جمع کل	۱۷۱	۱۷/۱	۸۲۸	۸۲/۸	۱	۰/۱	۱۰۰۰	۱۰۰/۰

بی‌جواب: ۴۱

بر اساس داده‌های جدول (۱۳) و مقادیر به دست آمده ($X^2=38.86, df=2, P = 0/000$) بین علاقه‌مندی به راه‌اندازی حزب یا تشکیلات سیاسی و جنسیت رابطه معنادار آماری وجود دارد و پسران بیش از دختران به راه‌اندازی تشکیلات سیاسی علاقه نشان داده‌اند. هم‌چنین در تحلیل واریانس سه متغیره این نتیجه حاصل شد که بین جنسیت، ازدواج و علاقه‌مندی به مطالعه مطالب سیاسی با توجه به مقدار F به دست آمده ($F=1.95, df=1, P=0.16$) و نیز بین جنسیت و ازدواج و میزان پیگیری مسائل سیاسی با توجه به مقدار F به دست آمده ($F=1.11, df=1, P=0.29$) رابطه معناداری وجود ندارد. هم‌چنین بین متغیرهای جنسیت و مقطع تحصیلی و میانگین علاقه‌مندی به مطالعه مطالب سیاسی با توجه به مقدار F به دست آمده ($F=1.29, df=3, P=0.27$) و بین متغیرهای جنسیت، مقطع تحصیلی و میانگین پیگیری مسائل سیاسی با توجه به مقدار F به دست آمده ($F=0.43, df=3, P=0.73$) رابطه آماری، معنادار نیست و ازدواج و مقطع تحصیلی تفاوت معناداری را در علاقه‌مندی سیاسی دو گروه آزمودنی نشان نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که ملاحظه شد این پژوهش در مورد یک قشر تحصیل کرده و از نظر سنی جوان که نزدیک به ۹۰ درصد آنان مجرد بوده‌اند، انجام شده است. در واقع در این پژوهش تلاش شده است تا با انتخاب قشر دانشجوی، نقش عامل سن، عدم امکان دسترسی به اطلاعات و آگاهی‌های

سیاسی، محافظه کاری‌های اقتصادی - به دلیل وابستگی‌های شغلی، نقش عامل تاهل و درگیری در مسائل خانوادگی - که به نظر می‌رسید از عوامل عمده تاثیرگذار بر مشارکت سیاسی باشند، به حداقل برسد تا با اطمینان بیشتری نتایج حاصله به عامل «جنسیت» نسبت داده شود؛ اما یافته‌های پژوهش حاضر، علیرغم تشابه نسبی ویژگی‌های فردی و شرایط فرهنگی و اجتماعی آزمودنی‌ها (در مقایسه با سایر قشرهای جامعه) تفاوت معناداری را بین علاقه‌مندی و مشارکت سیاسی دو گروه آزمودنی نشان می‌دهد و حاکی از آن است که دختران دانشجوی در مقایسه با پسران دانشجوی از علاقه‌مندی کم‌تری نسبت به مسائل سیاسی برخوردارند و مختلط بودن دانشگاه تفاوت معناداری را در این زمینه نشان نمی‌دهد. به بیان دیگر دختران صرف‌نظر از این که در دانشگاه مختلط یا غیرمختلط تحصیل کنند، نسبت به مسائل سیاسی کم‌علاقه‌تر از پسران هستند. این نتیجه مؤید نتایج تحقیقاتی است که در گذشته با تاکید بر جنسیت، انجام شده است، نتایج این تحقیقات گویای کم‌علاقه‌گی و کم‌توجهی زنان نسبت به مسائل سیاسی است. گفته شده است که در همه جا به طور متوسط یک سوم زنان اعلام داشته‌اند که سیاست به زندگی آنان ربطی ندارد. علاقه زنان تحصیل کرده دانشگاهی به سیاست به اندازه متوسط علاقه مردان به سیاست بوده است. (بشیری، جامعه‌شناسی سیاسی: ۲۹۵)

نتایج تحقیقات در مجموع حاکی از سطح پایین‌تری از علایق، احساس کارآمدی سیاسی و تمایل به کسب اطلاعات سیاسی و یا ورود به مباحث سیاسی از طرف زنان در مقایسه با مردان است. نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد که زنان کمتر احتمال دارد که به سازمان‌های جامعه مدنی مانند تعاونی‌های کشاورزی، اتحادیه‌های کشاورزی و سازمان‌های رفاهی بپیوندند. آنان کم‌تر کار سیاسی می‌کنند مثلاً در مبارزات سیاسی کم‌تر، فعالیت دارند. کم‌تر درخواست می‌دهند و کم‌تر با نمایندگان مجلس تماس می‌گیرند؛ (Wade, L & S. Jinvan, 1996). یافته‌های یک پژوهش بر روی زنان سه کشور مکزیک، کوبا و پرتوریکو، نشان می‌دهد که زنان از زوایه اخلاق به مسائل سیاسی و اجتماعی می‌نگرند. آنان در دو موضع رفاه اجتماعی و کاربرد خشونت و زور لیبرال‌تر از مردان هستند و درصد بیشتری از زنان در مقایسه با مردان ترجیح می‌دهند پول کم‌تری صرف هزینه‌های نظامی شود؛ (Montoya, Lisa, 1996). در واقع برداشت عمومی دربارهٔ سیاستمداران

زن این است که آنان عاطفی‌تر، اخلاقی‌تر و دارای حس همکاری بیشتر و در مقایسه با مردان هستند. (Lovenduski & Norris, 1996. P.93)

تفاوت نوع فعالیت سیاسی (به لحاظ فعالانه و منفعلانه بودن) در آزمودنی‌ها از جمله یافته‌های تجربی این پژوهش است. توضیح آن که مشارکت سیاسی شکل‌های مختلفی دارد. از جمله می‌تواند به صورت خودبه‌خودی spontaneous (که به صورت خود جوش از طرف مردم انجام می‌شود) و یا به صورت برانگیخته و بسیج شده mobilized باشد که در این صورت از بالا و توسط حکومت در شرایط خاصی تشویق می‌شود، (فتحی آشتیانی: ۲۷). همچنین مشارکت سیاسی ممکن است به دو شکل فعالانه active و منفعلانه passive ظاهر شود. (مصاحبه با دکتر جواد اطاعت، روزنامه زن ۷۷/۱۱/۲۷) و یا در سطوح مختلف و به صورت مشارکت سیاسی نخبه‌ها elit و مشارکت سیاسی توده‌ها mass انجام شود.

(the Advancement of women, 1995, pp. 73-74 & patterson, 2000). نتایج این پژوهش حاکی از آن است که پسران (در مقایسه با دختران) فعالانه‌تر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند.

نکته قابل توجه دیگر در یافته‌های این پژوهش آن است که پسران زودتر از دختران، توجه به مسائل سیاسی را شروع می‌کنند و بیشتر از آنان به طور مستمر پیگیر مسائل سیاسی هستند، بیش از دختران مبادرت به چاپ و نقد مطالب سیاسی، در نشریات می‌کنند و در فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات مشارکت فعالانه‌تری دارند. پسران دانشجو (در مقایسه با دختران دانشجو) بیشتر در مجالس سخنرانی و راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات حضور داشته‌اند و بیش از آنان به تصدی مناصب سیاسی، راه‌اندازی احزاب و تشکیلات سیاسی و یا فعالیت در احزاب سیاسی تمایل و علاقه‌مندی از خود نشان داده‌اند.

یافته‌های جهانی نیز دال بر بی‌علاقه‌گی زنان نسبت به تصدی مشاغل سیاسی و حاکی از آن است که مشارکت سیاسی زنان در سطح توده‌ها، چندان متفاوت از مردان نیست، اما در سطح نخبگان این اختلاف‌ها بسیار آشکار است. در آمریکا در سال ۱۹۹۹ زنان ۹٪ نمایندگان مجلس سنا و ۱۲٪ اعضای مجلس نمایندگان را تشکیل می‌دادند. (patterson, 2000). در کشور خود ما

ایران - نیز علی‌رغم آن که بیش‌ترین حضور سیاسی زنان در سطح نخبگان، در نمایندگی مجلس شورای اسلامی بوده است، درصد زنان نماینده بسیار اندک است، در حالی که زنان هیچ‌گونه منع حقوقی و قانونی برای نمایندگی مجلس ندارند. آمارها نشان می‌دهد که درصد زنان نماینده در شش دوره مجلس شورای اسلامی بین $1/43$ و $4/83$ درصد در نوسان بوده است. (یونس اصغری، ۱۳۷۸: ۵۸-۳۱). در مجموع در سطح نخبگان سیاسی هنوز تعداد زنانی که در رأس دولت، حکومت و پارلمان قرار دارند، در حدی نیست که بتواند در مقابل مردان قابل طرح باشد. زنان به طور وسیعی از رهبری سازمان‌های بین‌المللی و قرار داشتن در رأس هیأت‌های دیپلماتیک و سمت‌های مدیریت بانک‌ها، پلیس و نیروهای نظامی غایب هستند و حتی در سمت وزارت، در رأس وزارت‌خانه‌های بهداشت و درمان، رفاه اجتماعی، جوانان، امور زنان، فرهنگ و آموزش قرار می‌گیرند که با نقش‌های سنتی آنان به عنوان مادر و همسر مرتبط است.

(see: The Advancement of women, I bid, P. 74-75)

کنی (Chaney, 1979) با مطالعه روی ۱۶۷ زن دارای مناصب رسمی در حکومت‌های پروویشلی در اواخر ۱۹۶۰ به این نتیجه رسید که ورود زنان به سیاست در آمریکای لاتین، عموماً منطبق با نقش‌های سنتی آنهاست و آنان به عنوان (مادر یا خانه‌دار بیشتر مورد توجه‌اند تا به عنوان یک رهبر یا تصمیم‌گیرنده و افرادی در موقعیت‌های قدرتمندانه. (Women studies, 1996, Vol. 19, P. 635).

یافته‌های بالا در واقع به این معناست که پسران به دلایل گوناگون بیش از دختران در محیط خارج از خانه حضور دارند و از امکانات بیشتری برای کسب خبر و اطلاعات سیاسی برخوردارند. لذا زودتر از دختران نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی حساس می‌شوند. از سوی دیگر به لحاظ ارزش‌های حاکم بر جامعه، سیاست مشغله‌ای مردانه تلقی می‌شود و پسران آن‌را موضوعی متعلق به خود می‌دانند و با علاقه‌مندی بیشتری به آن توجه نشان می‌دهند. از این رو هم امکانات و هم انگیزه لازم برای یک مشارکت فعالانه را در اختیار دارند. در حالی که علایق سیاسی دختران با توجه به شرایط و امکانات اجتماعی که در اختیار دارند، بیشتر در چهارچوب خانه و خانواده شکل می‌گیرد. از این رو همان‌گونه که یافته‌های جهانی نشان می‌دهند زنان در فعالیت سیاسی

خود تحت تأثیر همسران‌شان قرار دارند. (بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی: ۲۹۲). در پژوهش حاضر نیز با توجه به این که نزدیک به ۹۰ درصد آزمودنی‌ها مجرد بوده‌اند، دختران بیش از پسران تحت تأثیر خانواده (به ویژه تحت تأثیر پدر)، بینش سیاسی خود را شکل داده‌اند؛ و این نشان دهنده تأثیرپذیری سیاسی متفاوت دختران و پسران دانشجو است که بیشتر تحت تأثیر جامعه‌پذیری و به ویژه جامعه‌پذیری سیاسی قرار دارد. به عبارت دیگر دختران تحت تأثیر باورها و ارزش‌هایی که طی قرون و اعصار، نسل به نسل منتقل و از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی تقویت و تثبیت می‌شوند، حوزه سیاست را متعلق به خود نمی‌دانند، به سودمندی مشارکت سیاسی واقف نیستند و اصولاً انگیزه‌ای برای مشارکت فعالانه سیاسی در سطح نخبگان ندارند و لذا حداکثر مشارکت آنان، منحصر به شرکت در انتخابات و یا زمینه‌هایی است که برای حضور در آن از طریق تبلیغات رسانه‌ها بسیج می‌شوند. موارد یاد شده نقش اساسی خانواده را در جامعه‌پذیری سیاسی دختران و پسران مورد تأکید قرار می‌دهد. ضمن آن که اهمیت رسانه‌های عمومی به ویژه تلویزیون را در این زمینه نباید نادیده گرفت. نتایج به دست آمده در این پژوهش نیز مؤید تأثیر خانواده و تأثیر شغل و تحصیلات پدر و مادر بر علاقه‌مندی سیاسی دختران دانشجو است. متغیرهای یاد شده تأثیر مثبتی بر علاقه‌مندی دختران نسبت به پیگیری مسائل سیاسی داشته‌اند، در حالی که متغیرهای ازدواج و مقطع تحصیلی در علاقه‌مندی سیاسی دو گروه آزمودنی تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. اما آنچه در این میان امیدوارکننده می‌نماید، این است که دانشجویان دختر در رابطه با واگذاری پست‌ها و مدیریت‌های سیاسی به زنان موافقت بیشتری در مقایسه با پسران داشته‌اند. این امر نمایانگر این واقعیت است که دختران دانشجو رفته رفته این بینش را - که حوزه سیاست متعلق به مردان است - کنار می‌گذارند و زنان را شایسته احراز سمت‌های سیاسی می‌دانند.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر و شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت سیاسی و نیز شرایط و عوامل اولیه محدود کننده مشارکت سیاسی زنان - که در مقایسه با مردان به آن دست

یافتیم - لازم است در سه سطح نسبت به فراهم آوردن شرایط لازم برای مشارکت فعالانه سیاسی زنان اقدام شود:

۱- در سطح فردی: زنان بیش از هر کس دیگر می‌توانند به خود کمک کنند. آنها باید ابتدا خود را و توانمندی‌های خود را باور کنند و با تقویت اعتماد به نفس، از امکانات موجود در جامعه به نحو مطلوب برای حضور در صحنه سیاست بهره‌گیرند.

۲- در سطح خانواده: نقش والدین در توزیع عادلانه امکانات خانواده بین پسر و دختر از نظر تحصیل و نیز تربیت اجتماعی و آموزش‌های سیاسی، می‌تواند عامل اساسی در ایجاد زمینه جامعه‌پذیری سیاسی به دور از تبعیض بین فرزندان باشد.

۳- در سطح جامعه: از آنجا که قانون به تنهایی برای تحقق شرایط عادلانه شرکت سیاسی زنان کفایت نمی‌کند، لازم است کوشش‌های فرهنگی به منظور زدودن زنگار باورهای غلط از اذهان صورت گیرد. این حرکت نیاز به یک برنامه‌ریزی کلان و همکاری سازمان‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی دارد.

... و پیشنهاد آخر این که علل تفاوت‌های جنسیتی در علاقه‌مندی سیاسی و فعالیت‌های سیاسی با انجام پژوهش‌های دقیق مورد بررسی قرار گیرد تا در صورت امکان نسبت به رفع محدودیت‌ها و موانع مشارکت فعالانه زنان در زمینه‌های سیاسی اقدام شود.

منابع

- اصغری، یونس. بررسی ترکیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و منشاء طبقات اجتماعی آنان در پنج دوره قانونگذاری. تهران: مشتاقان فلاح، ۱۳۷۸.
- باتامور، تی. بی. نخبگان و جامعه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- بشیریه، حسین. جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- رثوف، هبه. مشارکت سیاسی زن. ترجمه: محسن آرمین، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۷.
- عالم، عبدالرحمن. بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- عنایت، حمید. سیاست ارسطو. تهران: چاپ چهارم، ۱۳۶۴.

فتحی آشتیانی، علی. مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی. تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
فیرحی، داود. «مفهوم مشارکت سیاسی». فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۷.
محمدی، مجید. درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز. تهران: انتشارات
کویر، (۱۳۷۸).

روزنامه زن ۱۳۷۷/۱۱/۲۷.

- Almond & Verba. Civic cultur. Princeton, NJ: Princeton Univ. Press, 1963.
- Lawrence, Leduc; Richard, G. NIEMT; Pippa Norris. Comparing Democracies. SAGE Publications, NewDelhi, 1996.
- Lovenduski, Joni & Norris, Pippa. Women in Politics, New York: Oxford University Press, 1996.
- Macclosky, R. Political participation, International Encyclopedia of social science. Vol. 11. New York: Macmillan, 1968.
- Montoya, Lisa. Latino Gender Differences in public opinion, Results from the Latino National Survey, Hispanic Journal of Behavioral sciences. Vol. 18, 1996.
- Nie, Norman H. and Verba, Sidney. Participation in American; Equality and Political Democracy, New York: Harper and Row, 1972.
- Nie, Norman H. and Verba, Sidney. Political Development; Handbook of political science. Vol. 4, Massachusettes, Adision Wesley Publishing Company, 1975.
- Pattersons Amy's. Women in Global Politics: Progress or stagnation. U. S. A. Today Magazine. Vol. 129, 2000.
- Rosenstone Steven J. & John Mark Hansen. Mobilization participation and Democracy in America. New York; Macmillan, 1993.
- Rush, M. Politics & society, An Introduction to political sociology. London: Harvester Weat sheaf, chapter G, political participation, 1992.
- The Advancement of women, United Nations, January, 1995.
- Wade, Larry L.; Seo, Jinvan. Women Education and political Violations in the south Korean Mass public, Comparative political studies, Vol. 29, 1996.

Women's Studies international forum. Vol. 19, No. 6. USA: Pergamon Press, 1996.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی